



نیایش های موضوعی



تثبیت و تنظیم  
بنیادین المسئلة دعا



[مهج الدعوات] ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن علی قمی، معروف به ابن الخیاط، از هارون بن موسی تلعبیری، از عبدالواحد بن عبدالله بن یونس موصلی، از علی بن محمد بن احمد علوی، از عبدالرحمن بن علی بن زیاد روایت کرد که گفت: عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر گفته‌اند: روزی ما نزد مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم که حسن بن علی علیه السلام وارد شد و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! بر در مردی است که از او بوی مُشک به مشام می‌رسد. فرمود: به او اجازه بده. پس مردی درشت اندام و خوش چهره، با سیمایی شگفت و هیئتی برجسته، زبان آور و بر او لباس پادشاهان بود، داخل شد. گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین و رحمة الله و برکاته. من مردی‌ام از دورترین بلاد یمن، از اشراف عرب که نسیم به شما می‌رسد. پشت سرم ملکی بزرگ و نعمتی فراوان گذاشته‌ام و در رفاه و خوشی و زندگی آسوده و املاک



آبادم. روزگار امور را به من آزموده و تجربه‌هایم کرده است. دشمنی دارم بخیل و سختگیر که با بسیاری نیرو و یاور و انبوه جمعیتش بر من چیره شده و حيله‌هایم در برابرش به بن‌بست رسیده است. شبی در حال خواب بودم که ندا دهنده‌ای نزد من آمد و بانگ زد که: «برخیز ای مرد، به سوی برترین آفریده خدا پس از پیامبرش، امیرالمؤمنین، برو و از او بخواه دعایی را که حبیب خدا، برگزیده‌اش، و پاک‌ترین‌شان از آفریدگان، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم. که درود خدا بر او و خاندانش باد. به او آموخت، به تو بیاموزد؛ که در آن، نام اعظم خداوند عزوجل است. به آن نام، بر دشمن ستیزه‌جوی خود دعا کن». ای امیرالمؤمنین! از خواب برخاستم و به هیچ کار دیگری نپرداختم تا با چهارصد بنده رو به سوی شما روان شدم. هم‌اکنون خدا و رسولش و شما را گواه می‌گیرم که همه آنان را آزاد کردم، و آزادی‌شان را فقط برای خدا، جلت عظمته، انجام دادم. از راهی دور و شهری بسیار دور نزدتان آمدم، که بدنم لاغر و قوتم کم شده است.



پس به حق پدری و پیوند نزدیک، بر من منت گذار و همان دعایی را که در خواب دیدم به من بیاموز، همان که منادی مرا امر کرد برای آن نزد تو بیایم. مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بلی، چنین خواهیم کرد ان شاء الله. سپس دوات و کاغذی خواست و این دعا را برایش نوشت:

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند رحمت گستر مهرورز

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ

خدا یا تویی خداوند پادشاه برحق که معبودی جز  
إِلَّا أَنْتَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنْتَ رَبِّي ظَلَمْتُ

تو نیست و من بنده توأم و تو پروردگار منی، بر

نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

خود ستم کردم و به گناهم اعتراف دارم و هیچ کس



إِلَّا أَنْتَ فَاعْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورُ. اللَّهُمَّ

جز تو گناهان را نمی‌آمرزد؛ پس مرا بیامرز ای

إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى مَا

آمرزنده، ای سپاس‌پذیر. خدایا، تو را ستایش

خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ وَمَا

می‌کنم و تو شایسته ستایشی به خاطر آنچه از

وَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السَّابِغِ وَمَا

بخشش‌های برگزیده و عطایای فراوانت بر من

أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَبَوَّأْتَنِي بِهِ

ارزانی داشتی، و از بخشش فراگیرت که به من

مِنْ مِظَنَّةِ الْعَدْلِ وَأَنْلَتَنِي مِنْ مَمْنِكَ

رسید، و از احسانت که شامل من شد، و مرا در



الْوَاصِلِ إِلَيَّ وَمِنَ الدَّفَاعِ عَنِّي وَالتَّوْفِيقِ

جایگاه عدالت نشاندی، و نعمت پیوسته‌ات را

لِي وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حَتَّىٰ أَنَاجِيكَ دَاعِيًا

به من رساندی، و از آسیب‌ها نگاه داشتی، و توفیق

وَأَدْعُوكَ مُضَامًا وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي

و اجابت دعا به من دادی تا با تو راز بگویم و

الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي جَابِرًا وَفِي الْأُمُورِ

بخوانمت و از تو بخواهم و تو را در همه موقعیت‌ها

نَاظِرًا وَلِدُنُوبِي غَافِرًا وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا لَمْ

جبران‌کننده، در همه امور ناظر، در برابر گناهانم

أَعْدَمَ خَيْرِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُدًّا أَنْزَلْتَنِي دَارَ

آمرزنده، و عیب‌هایم را پوشاننده یابم؛ از آن زمانی



الإِخْتِبَارِ لِنَنْظُرَ مَا أُقَدِّمُ لِدَارِ الْقَرَارِ فَأَنَا

که مرا به سرای آزمون آوردی تا بنگری چه توشه‌ای

عَتَيْكَ مِنْ جَمِيعِ الْأَقَاتِ وَالْمَصَائِبِ

برای سرای جاوید فراهم می‌کنم، هرگز لحظه‌ای از

فِي اللّوَازِبِ وَالْغُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا

خیر تو محروم نبودم. پس من آزادشده‌ام تو از بلاها و

الْهُومِ بِمَعَارِيضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ

مصیبت‌های پی‌درپی‌ام که اندوه‌ها در آن‌ها

وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ لِأَذْكَرُ مِنْكَ

هجوم می‌آورد، با انواع ابتلا و فشار قضای محتوم،

إِلَّا الْجَمِيلَ وَلَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ

و از تو جز زیبایی ندیدم و جز نیکویی از تو نیافتم؛



خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ

خیرت همواره شامل من و فضلت پیوسته بر من و

وَنِعْمَتُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ وَسَوَابِقُ لَمْ

نعمتت با من همراه بوده است. پیشین نیکی هایت

تُحَقِّقُ حَذَارِي بَلْ صَدَقْتَ رَجَائِي

بیمم را واقعیت نبخشید بلکه امیدم را تصدیق

وَصَاحِبَتَ أَسْفَارِي وَأَكْرَمَتَ

کرد، در سفرها همراهم بود، در حضورم اکرامم

أَحْضَارِي وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي وَأَوْصَايِي

کردی، بیماری هایم را شفا دادی، در بازگشتم و

وَعَافَيْتَ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايِي وَلَمْ تُشْمِتْ

اقامت مرا عافیت دادی، دشمنانم را شاد نکردی،



بِي أَعْدَائِي وَرَمَيْتَ مَنْ رَمَانِي وَكَفَيْتَنِي

آنان را که به من حمله کردند هدف قرار دادی، و از

مُؤْنَةً مَنْ عَادَانِي خَمَدِي لَكَ وَاصِلٌ

زیان دشمنانم کفایت کردی. حمدم همواره برای

وَتَنَائِي لَكَ دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ

توست و ثنایم بر تو پیوسته، از روزگاری تا روزگار

بِالْوَانِ التَّسْبِيحِ خَالِصًا لِذِكْرِكَ وَمَرْضِيًّا

دیگر، با رنگ‌های تسبیح، خالص برای یاد تو و

لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ وَإِمْحَاضِ

پسندیده نزد تو، با یگانگی ناب و تمجید خالص،

التَّمَجِيدِ بِطُولِ التَّعْدِيدِ وَمَزِيَّةِ أَهْلِ

با شمارش طولانی نعمت‌ها و بهره اهل فزونی. نزد



الْمَزِيدِ لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ وَلَمْ تُشَارِكْ

تو، با یگانگی ناب و تمجید خالص، با شمارش

فِي إِلَهِيَّتِكَ وَلَمْ تُعَلِّمْ إِذْ حَبَسْتَ

طولانی نعمت‌ها و بهره اهل فزونی. در قدرتت

الْأَشْيَاءِ عَلَى الْغَرَائِزِ وَلَا خَرَقْتَ الْأَوْهَامُ

یاری جویی نداری، در الوهیتت شریکی نیست، و

حُجِبَ الْغُيُوبِ فَتَعْتَقِدُ فِيكَ مَحْدُوداً

نیازی به آموزش کسی نداشتی آنگاه که موجودات

فِي عَظَمَتِكَ فَلَا يَبْلُغُكَ بَعْدُ الْهَمَمِ

را بر سرشتشان نگاه داشتی، وهم‌ها نتوانستند

وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكْرِ وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ

پرده‌های غیب را بشکافند تا در عظمتت حدی



نَظْرُ نَاطِرٍ فِي مَجْدِ جَبْرُوتِكَ ارْتَفَعَتْ

بیندارند؛ نه اندیشه‌ها به نهایت رسند و نه

عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ

دیدگان در جلال جبروتت نفوذ کنند. صفات

وَعَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ

قدرت برتر از ویژگی‌های مخلوقان است، شکوه

لَا يَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَّادَ وَلَا يَزِدَّادُ مَا

عظمتت بالاتر از آن است؛ آنچه را بخواهی افزونی

أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ وَلَا أَحَدٌ حَضَرَكَ حِينَ

گیرد، کم نمی‌شود، و آنچه را بخواهی کاسته شود،

بَرَأَتِ النُّفُوسَ كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ

افزون نمی‌گردد. هیچ‌کس هنگام آفریده شدن



تَفْسِيرِ صِفَتِكَ وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ

جان‌ها در کنارت نبود، وهم‌ها در شرح صفت

كُنْهِ عَظَمَتِكَ وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ

درماندند، عقل‌ها از درک کنه عظمتت بازماندند،

الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزْلِيًّا دَائِمًا

چگونه توصیف شوی و حال آنکه تویی جبار

فِي الْغُيُوبِ وَحَدِّكَ لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ

قدوس که همیشه در نهان‌ها ازلی و پایدار بوده‌ای

وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ حَارِ فِي مَلَكُوتِكَ

و در آنها جز تو کسی نبوده و نیست. اندیشه‌های

عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفَكِيرِ فَتَوَاضَعَتْ

عمیق در ملکوت سرگردان، پادشاهان در هیبتت



الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ

فروتن، چهره‌ها در برابر تو به ذلت و بندگی فرو

الإِسْتِكَانَةَ لَكَ وَإِنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ

افتاده، همه چیز به عظمت گردن نهاده و در برابر

لِعَظَمَتِكَ وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ

قدرت تسلیم شده است. گردن‌ها در برابرت خم،

لِقُدْرَتِكَ وَخَضَعَتْ لَكَ الرِّقَابُ وَكُلَّ

زبان‌ها از شرح مقامت ناتوان، و تدبیر در برابر تنوع

دُونَ ذَلِكَ تَحْبِيرُ اللُّغَاتِ وَضَلَّ هُنَالِكَ

صفات گم می‌شود؛ هر که در این‌ها بیندیشد،

التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ فَمَنْ

نگاهش خسته بازمی‌گردد، عقلش مبهوت می‌ماند



تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيراً

و اندیشه‌اش سرگشته می‌شود. خدایا، ستایش

وَعَقْلُهُ مَبْهُوراً وَتَفَكَّرُهُ مُتَحِيراً. اللَّهُمَّ

پیوسته و هماهنگ و استوار از آن توست، ستایشی

فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِراً مُتَوَالِياً مُتَّسِقاً

که پایدار است و نابود نمی‌شود و در ملکوت گم

مُسْتَوْثِقاً يَدُومٌ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي

نمی‌گردد، در جهان محو نمی‌شود و در عرفان

الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ

کاستی ندارد. ستایش از آن توست در اندازه‌ای که

وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ وَلَكَ الْحَمْدُ مَا

بزرگواری‌هایش به شمار نیاید، در شب هنگام



لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

بازگشت، در سپیده‌دم، در بیابان‌ها و دریاها،

وَالصُّبْحِ إِذَا اسْفَرَ وَفِي الْبَرَارِي وَالْبَحَارِ

بامداد و شامگاه، عصر و صبح زود، ظهرها و

وَالغُدُوِّ وَالْأَصَالِ وَالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَفِي

سحرگاهان. خدایا، به توفیقت مرا به رغبت در

الظَّهَائِرِ وَالْأَسْحَارِ. اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ

پیشگامت آوردی و مرا در ولایت عصمت نهادی،

أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي

پس همواره در فراوانی نعمت و پیاپی بودن آلاءت،

وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ فَلَمْ أَبْرَحْ فِي سُبُوغِ

در پناه حمایت و دفاعت، نگاهبان و پاسدار من



نَعْمَائِكَ وَتَتَابِعُ الْآيَاتِكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي

بودی. بیش از توانم تکلیف نکردی و جز توانم از

الْمَنْعَةِ وَالِدِفَاعِ مَحُوطًا بِكَ فِي مَثْوَايَ

من نخواستی، و هر چه در گفتار و کردار بکوشم،

وَمُنْقَلَبِي وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي إِذْ

توان ادای حق تو را ندارم و جبران فضلت را

لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاقَتِي وَلَيْسَ شُكْرِي

نمی‌توانم؛ چه تویی خدای یکتا که هیچ نهان و

وَإِنْ بَالِغْتُ فِي الْمَقَالِ وَبَالِغْتُ فِي

آشکاری از تو غایب نمی‌ماند، و در تاریکی

الْفَعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ وَلَا مُكَافِيًا

پنهان‌ها برایت گمشده‌ای نیست. فرمانت آن‌گاه



لِفَضْلِكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

که بخواهی چیزی را، این است که به او بگویی

أَنْتَ لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبُ عَنْكَ غَائِبَةٌ

«باش»، پس می شود. خدایا، ستایش از آن توست

وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ وَلَمْ تَضِلَّ لَكَ

مانند ستایشی که خود از خود کرده ای، و چندین

فِي ظُلْمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ إِلَّا مَا أَمَرَكَ إِذَا

برابر آنچه ستایشگران ستوده اند، تمجیدکنندگان

أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

تمجید کرده اند، تکبیرگویان تکبیر گفته اند، و

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ

بزرگ داران بزرگ داشته اند، تا آنکه از جانب من،



نَفْسَكَ وَأَضْعَافَ مَا حَمِدَكَ بِهِ

در هر لحظه و کمتر از آن، همانند حمد حامدان

الْحَامِدُونَ وَمَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَكَبَّرَكَ

و یکتاسازی مخلصان و تقدیس عارفان و ثنای

بِهِ الْمُكَبِّرُونَ وَعَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ

همه موخّدان به تو برسد، همچون آنچه خودت

حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ

دانی از روزی‌ات که تفضّل و بخشش است، و

طَرْفَةِ عَيْنٍ وَأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ حَمْدِ

اندکی خواستی، و مرا از همه آفریدگانت بی‌نیاز

الْحَامِدِينَ وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ

کردی. به سوی تو راغبم در آنچه زبانم را به حمدت



وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ وَثَنَاءِ جَمِيعِ

گویا ساختی؛ چه آسان است آنچه از حقت

الْمُهَلِّلِينَ وَمِثْلَ مَا أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ مِنْ

تکلیف کردی و چه بزرگ است آنچه بر شکر وعده

رِزْقِكَ اِعْتَبَاراً وَفَضْلاً وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ

داده‌ای. با فضل و کرمیت آغازگر نعمت‌ها بر من

يَسِيراً صَغِيراً وَأَعْفَيْتَنِي مِنْ جَمِيعِ

شدی، به شکر فرمان دادی و بر پایه عدل واجبش

خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَّوَانِ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي

کردی، بر آن پاداش چندین برابر و افزون وعده

رَغْبَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا

دادی، از روزی‌ات فضلت را نشان دادی و اندکی

أَيْسَرَمَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَأَعْظَمَ

خواستی و مرا از رنج بلا ننگه داشتی و به بدی آن

مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ

مبتلا نکردی، همراه با عطا ی عافیت و بهره مند

فَضْلاً وَطَوَّلاً وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً

ساختن از بهترین بخشش‌ها، و دو برابر کردن

وَعَدَلاً وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً

فضلت، با حجت روشن و درجات والا، و برگزیدن

وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَفَضْلاً

من در پیروی از برترین پیامبران در دعوت و

وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً وَأَعْفَيْتَنِي

برترین شان در شفاعت، محمد ﷺ. خدایا، مرا



مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَلَمْ تُسَلِّمْنِي لِلْسُّوءِ مِنْ

بیامرز چندان که جز مغفرت آن را دربرنگیرد و جز

بَلَائِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ الْعَافِيَةِ

عفوت محوش نکند و جز فضلت جبران ننماید؛

وَسَوَّغْتَ مِنْ كَرَائِمِ النُّحْلِ وَضَاعَفْتَ

در این روز ایمان و یقینی ده که با آن مصیبت‌ها و

لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِي مِنَ الْحُجَّةِ

اندوه‌های دنیا بر من آسان گردد، با شوق به سوی

الشَّرِيفَةِ وَيَسَّرْتَ لِي مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ

تو و رغبت به آنچه نزد توست، برایم بخشش و

وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً

کرامت ثبت کن، شکر نعمتی که به من عطا کردی



وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ

روزی ام گردان؛ که تویی خدای یکتا و برتر و آغازگر

اغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ

و شگفت آفرین و شنوا و دانا که هیچ مانعی برای

وَلَا يَمَحِقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يُكْفِرُهُ إِلَّا

فرمانت و هیچ بازدارنده‌ای از قضایت نیست.

فَضْلُكَ وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا يَقِيناً

گواهی می‌دهم که تو پروردگار من و پروردگار هر

تَهَوَّنُ عَلَيَّ بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانَهَا

چیز هستی، آفریننده آسمان‌ها و زمین، دانای

بِشَوْقٍ إِلَيْكَ وَرَغْبَةٍ فِيمَا عِنْدَكَ

نهان و آشکار، بلندمرتبه و بزرگ. خدایا، از تو

وَكَتُبْ لِي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ وَبَلِّغْنِي

پایداری در کار و عزم بر راه درست و شکر بر

الْكَرَامَةَ وَارْزُقْنِي شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

نعمتت را می خواهم، و به تو پناه می برم از ستم هر

فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ الْبَدِيءُ

ستمگر و تجاوز هر متجاوز و حسد هر حسود؛ به

الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ

یاری تو بر دشمنانم می تازم و به تو ولایت دوستان

لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ وَلَا عَن قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ

را امید دارم، با آنچه نمی توانم همه آن را شمارم از

أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرٌ

بازگشت های فضلت، گوشه هایی از روزی ات و



السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ

گونه‌گون بخشش‌هایت؛ که تویی خدایی که جز

وَالشَّهَادَةِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي

تو خدایی نیست، بخششت در آفرینش آشکار،

أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ عَلَى

دستت به حق گسترده، در حکم مخالفت نشود و

الرُّشْدَ وَالشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ

در کار به چالش کشیده نگردی، از مردم آن را که

مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ وَبِعِي كُلِّ بَاغٍ

بخواهی مالک گردانی و جز آنچه تو خواهی مالک

وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ بِكَ أَصُولُ عَلَى

نیستند. بگو: «خدایا، مالک پادشاهی، پادشاهی



الأَعْدَاءِ وَبِكَ أَرْجُو وَلاَ يَةَ الأَحِبَّاءِ مَعَ مَا

را به هر که خواهی می دهی و از هر که خواهی

لَا أَسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ وَلاَ تَعْدِيدَهُ مِنْ

می گیری، هر که خواهی را عزت می دهی و هر که

عَوَائِدِ فَضْلِكَ وَطُرْفِ رِزْقِكَ وَالْوَانِ مَا

خواهی را خواری، خیر به دست توست که بر هر

أَوْلَيْتَ مِنْ إِرْفَادِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي

چیز توانایی، شب را در روز و روز را در شب

لَا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رِفْدُهُ

درمی آوری، زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون

الْبَاسِطُ بِالْحَقِّ يَدُكَ وَلاَ تُضَادُّ فِي

می آوری، و به هر که خواهی بی حساب روزی



حُكْمِكَ وَلَا تُنَازِعْ فِي أَمْرِكَ تَمْلِكُ مِنِّ

می دهی.» تویی نعمت بخش و افزون کننده،

الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ

آفریننده و برپا دارنده، توانا و چیره، مقدس در نور

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ

قدس، آراسته به شکوه و عزت، بزرگوار در کبریا،

تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ

پوشیده در نور و بهاء، پوشیده در هیبت و روشنی؛

تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ

برای توست بخشش قدیم و فرمانروایی والا و جود

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي

گسترده و قدرت نافذ. مرا از بهترین فرزندان آدم



النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ

قرار دادی و شنوا و بینا و سالم و استوار و تندرست

مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

آفریدی، نقصی در بدنم منعم نکردی، کرامت و

وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَنْتَ

نیکویی‌ات از من دریغ ننمودی، در دنیا بر من

الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْقَادِرُ

گشایش دادی و بر بسیاری از مردم برتری دادی،

الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ تَرَدَّيْتَ

شنوایی و دلی بخشیدی که عظمت را بشناسد.

بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ وَتَعَظَّمْتَ بِالْكَبْرِيَاءِ

من به فضلت ستایش‌گرم، با توان خود شاکرم، و به



وَتَغَشَّيْتِ بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ وَتَجَلَّلْتِ

حَقَّتْ گواهی می‌دهم؛ که تویی زنده پیش از هر

بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ لَكَ الْمَنْ الْقَدِيمُ

زنده و زنده پس از هر زنده، زنده‌ای که زندگی را به

وَالسُّلْطَانُ السَّامِخُ وَالْجُودُ الْوَاسِعُ

ارث می‌بری، خیرت را چشم برهم زدنی از من

وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ

نبریدی، آسیبی از کیفرهایت بر من فرو نیاوردی،

بَنِي آدَمَ وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً

و دقایق حفظ و عصمت را بر هم نزدی. اگر جز

صَحِيحاً سَوِيّاً مُعَافِيٍّ وَلَمْ تَشْغَلْنِي

عفو و اجابت دعا و تقدیر رزق هنگام بخشش



نُقَصَانًا فِي بَدَنِي وَلَمْ تَمْنَعَكَ كَرَامَتِكَ

چیزی از احسانت را یاد نمی‌کردم، باز سزاوار بود

إِيَّايَ وَحُسْنُ صَنِيعِكَ عِنْدِي وَفَضْلُ

که بگویم: ستایش تو را به شمار آنچه دانست

إِنْعَامِكَ عَلَيَّ إِنَّ وَسِعَتْ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا

دربگیرد، توانت احاطه کند و رحمتت شامل شود.

وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا جَعَلْتَ

خدایا، پس احسانت را در آنچه مانده کامل کن

لِي سَمْعًا وَفُؤَادًا يَعْرِفَانِ عَظَمَتَكَ وَأَنَا

چنان‌که در گذشته نیکو کردی، که من به

بِفَضْلِكَ حَامِدٌ وَبِجَهْدِ نَفْسِي لَكَ

یکتایی‌ات، تمجیدت، تحمیدت، تهلیل و تکبیر

شَاكِرٌ وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ

و تعظیمت، و به نور و رأفت و رحمت و بلندی و

كُلِّ حَيٍّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَحَيٌّ تَرِثُ

جمال و جلال و بهاء و سلطنت و قدرت، و به

الْحَيَاةَ لَمْ تَقَطَّعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ

محمد و خاندان پاکش، توسل می جویم که مرا از

فِي كُلِّ وَقْتٍ وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ

بخشش و برکت محروم نسازی؛ زیرا فراوانی

النِّقَمِ وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ الْعِصْمِ فَلَوْ

نعمتی که می بخشی گرفتار بخل نمی کند، کوتاهی

لَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ

در شکر نعمتی نقصی در جودت پدید نمی آورد،



وَإِجَابَةَ دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي

خزانه موهبت‌هايت با نعمت‌ها پايان نپذيرد، از

بِتَحْمِيدِكَ وَتَمَجِيدِكَ وَفِي قِسْمَةِ

تهيدستی بيم ندارى تا بخيل شوى، و از كمبود

الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا

نمى هراسى تا فيض فضلت را بکاهى. خدايا، دلى

حَفِظَ عِلْمُكَ وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ

خاشع، يقينى صادق، زبانى يادکننده روزى ام

قُدْرَتِكَ وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ. اللَّهُمَّ

کن، و مرا از مکر خود در امان مدار، پرده‌ات را از

فَتِمِّمَ إِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ كَمَا

من برندار، ذکر ت را از يادم مبر، از جوار ت دورم



أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى فَأَيُّيَ أَتَوَسَّلُ

مَسَا، از رحمت محروم مکن، از نسیم گشایش

بِتَوْحِيدِكَ وَتَمَجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ

ناامیدم مگردان، مونس من در هر وحشت،

وَتَهْلِيلِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَبِنُورِكَ

نگاهبانم از هر هلاکت، و رهاننده‌ام از هر بلا

وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوكَ وَجَمَالِكَ

باش؛ که تو خلف وعده نمی‌کنی. خدایا، مرا بالا

وَجَلَالِكَ وَبَهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ وَقُدْرَتِكَ

بر و فرو مبر، بیفزا و کم مکن، بر من رحم کن و

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ إِلَّا تَحْرِمَنِي

عذاب مده، یاریم کن و خوایم مکن، مرا برگزین و



رِفْدَكَ وَفَوَائِدَكَ فَإِنَّهُ لَا يَعْثُرِيكَ لِكَثْرَةِ

دیگری را بر من برمگزین، و بر محمد و خاندان

مَا يَنْدَفِقُ بِهِ عَوَائِقُ الْبُخْلِ وَلَا يَنْقُصُ

پاک و پاکیزه‌اش درود فرست و سلامی کامل

جُودَكَ تَقْصِيرِي شُكْرِنِعْمَتِكَ وَلَا تُفْنِي

بفرست. عبدالله بن عباس گوید: سپس

خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النِّعَمِ وَلَا تَخَافُ ضَيْمَ

امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: بنگر که این دعا را

إِمْلَاقٍ فَتُكْدِي وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ

حفظ کنی و یک روز هم از خواندنش غفلت

عُدْمٍ فَيَنْقُصُ فَيُضُّ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ

نورزی؛ چرا که امید دارم وقتی به شهرت برمی‌گردی،



ارزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا صَادِقًا

خداوند دشمنت را نابود کرده باشد. من از

وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ

رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: اگر کسی این دعا

وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِرَّكَ وَلَا تُنْسِنِي

را با نیتی صادق و دلی خاشع بخواند، آنگاه به

ذِكْرِكَ وَلَا تَبَاعِدْنِي مِنْ جِوَارِكَ

کوهها فرمان دهد تا همراه او حرکت کنند، حرکت

وَلَا تَقْطَعْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ

خواهند کرد، و اگر بر روی دریا برود، بر آن راه

رَوْحِكَ وَكُنْ لِي أَنْسًا مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ

خواهد رفت. آن مرد به سوی دیارش رفت، و پس



وَأَعِصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَنَجِّنِي مِنْ

از چهل روز، نامه ای به مولایمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ

كُلِّ بَلَاءٍ فَإِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. اللَّهُمَّ

رسید که: خداوند دشمنش را هلاک کرده، حتی

ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي

یک مرد در ناحیه او باقی نمانده است. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَارْحَمْنِي وَلَا تَعَذِّبْنِي وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي

فرمود: من این را می دانستم، چرا که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَأَثِرْنِي وَلَا تُؤَثِّرْ عَلَيَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

آن را به من آموخته است، و هیچ کاری بر من

مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا.

دشوار نشد مگر آنکه با این دعا آسان گردید.



بنياد بين المللي دعاء  
مؤسسة الدعاء العالمية  
Dua International Foundation



<https://bonyadedoa.com>



+98 91 91 96 98 00

مهج الدعوات، ص: ١٠٦.